



روزی نواز ماهی نواز سالی نو

خداوند اساس آفرینش را بر نظم قرار داده است. در نظام هستی هر حرکتی از روی حساب و دقت در جای خود و بموقع انجام می‌شود. از گردش اختران در سپهر بیگوران و حرکت ریزترین اجزای حیاتی، چرخش الکترون‌های عناصر (آکسیژن‌ها) گرفته تا رویش، زایش و گسترش و تغییر و تبدیل نبات، جاندار و جماد، همه تحت نظامی دقیق، سنجیده و قانونمند قرار دارند. به همین ترتیب گردش زمین به دور خورشید از نقطه اعتدال ربیعی (بهاری) آغاز و در سال ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۶ ثانیه انجام می‌شود. این چرخش کامل سالانه، نیمکره شمالی زمین را از یک اعتدال بهاری به یک اعتدال بهاری دیگر داخل می‌کند. در همان حال در نیمکره جنوبی اعتدال خریفی (پاییزی) آغاز می‌شود. تقارن این دو اعتدال وجه مشترک کسان برابر بر تسنن طول شب و روز، هر یک ۱۲ ساعت است و تفاوت آن عبارت از آغاز بهار و رویش و زایش‌ها در نیمکره شمالی و اول خزان و ریزش و کاهش در نیمکره جنوبی است.

گردش عطارد (بیرا) و زحل (کیوان) و دیگر سیارات منظومه شمسی به دور خورشید نیز در زمانی مشخص عملی می‌شود و استمرار پیدایمی‌کند. این گردش‌ها و سپهری شدن سال‌ها، در دیگر منظومه‌ها و اختران بی‌شمار کائنات نیز همواره تحت نظمی خاص و دقیق انجام می‌گیرد. به قول عارف ایرانی، شیخ احمد جام نامی (در سال ۵۲۰ هـ. ق) «پروردگار رحمان از اول تا ابد دایره‌های ایجاد کرد و سلسله‌ای درهم کشید که هیچ‌کس سر رشته این سلسله و این دایره‌ها را نیافت و از سر و اسرار و تعبیه این معنا خبر نیافت». این دایره و سلسله و آن گردش‌ها و چرخش‌های منظم و مستمر پیدا و ناپیدا که هیچ‌گاه توقف ندارد، همه تبیین‌کننده نظم کبریایی است. گردش زمین به دور خورشید، به ظاهر گذشت سال یا شمار روزهای افزوده شده بر عمر زمین را به ما انسان‌ها نشان می‌دهد و در حقیقت به نظر ما انسان‌ها، بر سننات عمر تاریخ و تمدن و فرهنگ بشری افزوده می‌شود.

جمیع تحولات سالانه علمی و مدنی هزارها و سده‌های ادوار گذشته و حتی دهه‌های اخیر، شاید یادگار گونی‌ها و پیشرفت‌هایی که در هر لحظه اتفاق می‌افتد قابل قیاس نباشند. قطعاً این پیشرفت‌های سنجیده ادامه پیدایمی‌کنند و دهه‌ها و هزاره‌های گذشته را تحت الشعاع قرار می‌دهند. اما چنان چه نمره آن ترقیات و تحولات علمی و مدنی ناسنجیده در مناقشات اخلاک‌گراانه قدرت‌های جهانی امروز یا فردا به کار رود، ناپودی همه انسان‌ها قطعی است و دفتر سننات تاریخ و تمدن و فرهنگ بشری بسته می‌شود. در حالی که آن حرکت‌ها و چرخش‌های منظم زمین، در قدرت خالق بی‌چون، همچنان استمرار پیدایمی‌کند. پس باید به هنگام حلول سال نو از درگاه حضرت باری بخوابیم که قدرت‌ها و اندیشه‌های شر و شیطانی را برافکند و بر خرد و خیر و سلامت و سعادت جامعه بشری بیفزاید.

محدوده یا بستر جغرافیایی فرهنگ و مدنیت کهن ایرانی در دوران هخامنشیان (۵۵۹-۳۳۱ پیش از میلاد)، بخش‌های عظیمی از قلمر‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و کشاورزی جهان باستان را به خود اختصاص می‌دهد. قلمر‌هایی که بعدها قسمت‌هایی از سرزمین‌های دنیای اسلام را دربر گرفت. مشعل تابناک و درخشان فرهنگ و تمدن ایرانی هیچ‌گاه در طول تاریخ به خاموشی نگر ایمنده و همواره به صورت یکی از کهن‌ترین تمدن‌های بشری در انان جهان مطرح بوده است. «نوروز» که معرب آن «نیروز» است، از جمله مظاهر این فرهنگ و تمدن با پیشینه دور و دراز تاریخی و اسطوره‌ای به شمار می‌رود. بر ابر برخی مستندات و شواهد تاریخی و باستان‌شناسی موجود، «نوروز» کهن‌ترین جشن اقوام بشری است که به صورت حیرت‌آوری از عصر اسطوره‌ها و دور ان‌های تاریخی مدون جهان باستان تا به امروز موجودیت فرخنده و سرور آفرین خود را در همان سرزمین‌ها و قلمر‌های اشاعه فرهنگ ایرانی ادوار باستان و پس از اسلام، مخصوصاً در گستره بسیار پهناور حوزه نفوذ زبان فارسی حفظ کرده است.



محمدحسین بیرجومی
پژوهشگر تاریخ و فرهنگ کهن ایران

تنها هدف‌های سیاسی پادشاه، بلکه بُرد و قدرت روح تشکیلاتی او را نیز به جهانیان بشناساند.» هم او نوشته است: «... این نظم و این رهبری یک تکامل و تطور دایمی را تأمین می‌کردند، اصلی که تعقیب می‌شد و ولع قدرت و چپاول تشکیلاتی ملل جهان نبود. چنان که دول معدوم شرق قدیم می‌کردند و چنان که دولت‌های جهانی دیگر بعد از آن تا به امروز انجام داده‌اند - بلکه اصل نظمی بود که در آن قدرت فرمانروا بر خود وظایف سنگینی را تحمیل می‌کرد، چنان که طرز فکر آزادانه و حتی فضایل اخلاقی را همیشه در نهایت آمادگی نگهدارد.»

به نوشته هم او: «داریوش عقیده داشت که ضامن بقای دولت حفظ حقوق ثابت و عادلانه ملت است. چنان که در سال ۵۱۹ پیش از میلاد فرمان داد تا قوانین کلیه ولایات را جمع و تدوین کنند تا در آینده صدور احکام قضایی بر پایه ثابتی مستقر باشد.»

نظم نوین جهانی داریوش تحولی عظیم ایجاد کرد، آثار آن در کتیبه‌ها و سنگ‌نگاره‌های برجای مانده تخت جمشید مشهود است: «مبدأ این تحول و این نظم، سیستم جدید مالیاتی و زمینه اقتصادی دولت داریوش بود که از طرفی زندگی مرفه اقوام کشور و از طرف دیگر قدرت مالی دولت او به وسیله آن تأمین می‌شد.» جلوه‌هایی از اقدامات عمرانی و اقتصادی و سیاسی و اجتماعی که ابن بلخی برای جمشید برشمرده و جشن نوروز را یادگار آن روزگار دانسته، در تصاویر سنگ‌نگاره‌های برجای مانده تخت جمشید مجسم شده است.

برخی مورخان قدیم روایات زیادی درباره حمله اسکندر و اقدامات او نقل کرده‌اند. حمزه اصفهانی (وفات حدود ۳۵۰)، مطالب زیادی نوشته، از آن جمله است: «اسکندر چون دارا (داریوش سوم) را یکشت و به کشور ایران استیلا یافت، زشتکاری آغاز نهاد، و در ریختن خون مردمان زیاد روی کرد. از بزرگان ایران ۷۰۰۰ تن را اسیر کرد و به زنجیر کشید... از جمله اخباری که داستان سرایان ساخته‌اند این که اسکندر در ایران ۱۲ شهر ساخت... اما این خبر نادرست است، زیرا وی ویران کننده بود نه آبادکننده»، «آن‌گاه کتاب‌های دینی و علمی را بررسی کرد و کتب فلسفی، نجوم، پزشکی و کشاورزی را از زبان فارسی (باستان) به یونانی و نبطی نقل کرد و به اسکندریه فرستاد و باقی را سوزانید.»

امروز که غریبان به دانش‌ها و فنون پیشرفته فوق تصور دست یافته‌اند، با مرعوب کردن همان اعمال اسکندر راد سطح وسیع‌تر و بانبات متفاوت، به پیمان پیاده کردن نظم نوین جهانی پی می‌گیرند و آتش و خون و ویرانی، مخصوصاً در قلمروهای اسلامی می‌آفرینند. دیدیم که صدام و القاعده و طالبان و داعش را تجهیز و ترغیب کردند و اختلافات مذهبی، قومی و زبانی در کشورهای اسلامی را دامن زده و زمینه‌های تجزیه هر چه بیشتر قلمروهای مسلمانان را در پی تجزیه‌های دو قرن گذشته فراهم می‌کنند.

باری، شرح اقدامات مدیرانه جمشید، مندرج در متون کهن تاریخی، با آن چه در کتیبه‌ها و سنگ‌نگاره‌های هخامنشی و نیز نوشته‌های مورخان یونانی درباره تلاش‌های داهیهانه داریوش یکم آمده است وجه تشابه زیادی دارد. تصاویر سنگ‌نگاره‌های تخت جمشید، نمایندگان اقوام و ملل مختلف قلمروهای مختلف هخامنشی را در حال حمل هدایای نوروزی برای شهریار به‌نمایش می‌گذارد؛ رسمی که تا خلیفگان و شاهان بعد از اسلام نیز استمرار یافت.

به نظر می‌رسد هوشمندان ایرانی به‌منظور حق شناسی و تجلیل از بانی دادگستر «نوروز»، کاخ‌های ساخته داریوش در پرسپولیس را به جمشید منسوب کرده و بدان نام «تخت جمشید» داده‌اند. گویا این که برخی داریوش و جمشید را شخصیتی واحد گمان برده‌اند. شاید تشابه اقدامات و تلاش‌های مدیرانه آن دو، این تردید را برانگیخته و استمرار داده است.

از باب نمونه حمزه اصفهانی در حدود یازده قرن پیش، ضمن برشمردن اقدامات جمشید نوشته است: «از کارهای شگفت‌آور جمشید ایجاد پلی بر روی دجله است که روزگار درازی پا برجا بود تا آن که به دست اسکندر ویران شد.»

محدوده نوروز گانی کجاست؟

مراسم و سنت‌های نوروزی از بدو پیدایی تا عصر حاضر استمرار پیدا کرده‌اند. جاحظ (ابوعثمان عمرو بن بحر، وفات ۲۵۵)،

ادیب و نویسنده بزرگ عرب، مطالب تحقیقی جالب و ارزنده‌ای درباره آداب و رسوم و سنت‌های رایج در ایران دوران ساسانیان دارد. وی ذیل عنوان «هدایای نوروز و مهرگان» از جمله نوشته است: یکی از حقوق پادشاه این است که در نوروز و مهرگان هدایایی تقدیمش کنند و علت این است که [سرآغاز] دو فصل [بهار و پاییز] سال هستند. مهرگان عبارت از فرارسیدن فصل سرما است و نوروز نشانه رسیدن فصل گرما است. اما در نوروز مزایایی است که در مهرگان نیست، از جمله فرارسیدن سال نو، آغاز موسم باج و خراج (مالیات)، کاشت، عوض کردن عاملان و متصدیان، سکه زدن درم (نقره) و دینار (طلا)، پاک کردن آتشکده‌ها و آبیزان، قربانی نمودن و آبادی و عمارت و غیره... رسم و آیین ایرانیان این بود که هر کس آن چه را دوست دارد به شاه هدیه کند... اما شاعران «شعر» و خطیبان «خطبه» هدیه می‌کردند و...

بسیاری از مراسم مزبور پیشینه دور و دراز تری داشته و خیلی از آن‌ها بعد از اسلام نیز در عصر خلیفگان اموی و عباسی و پس از آن در زمان شاهان و حکمرانانی که بر سرزمین‌های قلمروهای سیاسی و جغرافیایی فرهنگ ایرانی و حوزه نفوذ زبان فارسی استیلا یافته‌اند تاکنون استمرار یافته است. بدان سان که امروز برخی از آداب و سنت‌ها و مراسم نوروزی در سرزمین‌های افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، جمهوری آذربایجان، ترکیه، بخش‌هایی از عراق و سوریه و هند و پاکستان و برخی از امیرنشین‌های خلیج فارس استمرار دارد و در سازمان ملل روز نوروز در شمار تعطیلات رسمی درآمده است. با این که زبان فارسی و خط عربی در بسیاری از کشورهای مزبور توسط استثمارگران حذف شده، باز هم «نوروز» یکی از مشترکات فرهنگی جاودانه ایرانیان با ملیت‌های این سرزمین‌هاست.

آیا نوروز یک جشن بازمانده از عقاید دینی است یا از سنت‌های کشاورزی برآمده است؟

مطابق برخی شواهد و مستندات تاریخی، ایرانیان از دیرباز بر امور کشت و کار و باغبانی علاقه و توجه بلینی داشته‌اند. به‌همین منظور نسبت به تهیه و تدارک و ترتیب مقدمات و اسباب هر یک از امور فلاحی و وابسته به آن چون پرورش دام و طیور و زنبور عسل و نوغانداری و غیره، به گردش دور افلاک و وضعیت قمر و کواکب و تأثیر و تأثر آن‌ها بر وضعیت اقلیمی و نیز بر روی محصولات زراعی و باغی دقیق بوده و ساعات مبارک و به‌موقع و نیز ساعات نحس و نامیوم برای آغاز کردن هر یک از عملیات و امور کشاورزی در نظر می‌گرفتند. حتی در خرید ملک و زمین زراعی و آب یا احداث کاریز، ایجاد باغ، کاشت نهال و غرس و پیوند درختان، با جابه‌جا کردن رمه‌ها، خرید و فروش دام‌ها و دیگر امور گوناگون کشاورزی و وابسته به آن علاوه بر سنجیدن موقع و زمان مناسب هر یک از امور، با توجه به وضعیت قمر و دیگر اختران افلاک و تعیین ساعات سعد و نحس اتخاذ تصمیم می‌کردند.

نیاکان ما از زمان‌های بسیار دور از دوران پیشدادیان، که جمشید بانی جشن و مراسم نوروزی شد، از موده‌ها و تجاری در تعیین ساعات سعد و نحس و پیش‌بینی شرایط اقلیمی سال پیش روی، داشته‌اند. بنابراین باید تعیین موقع «نوروز» در اول بهار، موسم کاشت و رویش و رشد رستی‌ها و کشتی‌ها و زایش دام‌ها توسط جمشید براساس همان تجارب نجومی و کشاورزی و شرایط اقلیمی و آب و هوایی اتخاذ شده و به تدریج با فراگیر شدن مراسم آن جنبه ملی پیدا کرده و با گذشت زمان جایگاهش در قلمروهای فرهنگ ایرانی در بین اقوام و ملل مختلف تثبیت شده و در برخی از سرزمین‌ها با همراه شدن پاره‌ای از باورهای قومی و مذهبی با مراسم نوروز، موجبات جذب مخالفان «نوروز» یا بسته شدن دهان آنان، فراهم آمده است.

آیا نوروز در شرق و غرب ایران تفاوت داشته است؟

مراسم نوروزی در برخی از سرزمین‌های قلمرو فرهنگی ایران و زبان فارسی در قدیم، با پاره‌ای از باورهای قومی و مذهبی همراه شده است. البته باید به تغییر موقع نوروز توسط متوکل و معتضد، خلیفگان عباسی، از اول فروردین به خردادماه اشاره کرد که با مخالفت ایرانیان دوامی نیاورده است. در این مورد شرحی مبسوط در مقاله «چهارشنبه‌سوری منشأ از شبانگاه قتل متوکل دارد» بر اساس مستندات فراوان آورده است.

نوروز در کدام منابع و متون باستانی و تاریخی بیشتر مورد توجه بوده و رویکرد مورخان و محققان در دو دوره اسلامی بدان چگونه بوده است؟

کهن‌ترین مستند موجود از برپایی مراسم نوروزی همان تصاویر سنگ‌نگاره‌های تخت جمشید است، اما مورخان یونانی و دیگر نویسندگان دوران باستان از «نوروز» و جشن و مراسم آن یاد نکرده‌اند. در متون پهلوی از «نوروز» در وجه «نوگ روز / Noghroz» سخن رفته است: به موجب روایت دینکرو، هر پادشاهی در این روز فرخنده رعیت ممالک خویش را قرین شادی و خرمی می‌کرد و در این عید کسانی که کار کرده‌اند دست از کار می‌کشید به استراحت و شادی پرداخته‌اند.

یکی از کتب پهلوی نسبتاً جدید، همه حوادث گذشته و آینده را که در نوروز واقع شده و خواهد شد شرح می‌دهد... غیر از بیرونی چند تن از مورخان عرب و ایرانی «عید نوروز» را توصیف کرده‌اند و شعرایی مانند فردوسی و منوچهری در اشعار خود آن را ستوده‌اند... تئودور تولدک، خاورشناس نامدار آلمانی که در تاریخ و فرهنگ ایرانی تحقیقات پر دامنه و عمیقی دارد، در توضیح مطلبی یادآور شده است که: من از به کار بردن کلمه «نوروز» برای روز اول سال خودداری می‌کنم؛ زیرا حدس می‌زنم که نوروز جشن ملی آغاز بهار بوده است نه جشن آغاز سال.

برخی از مورخان ایرانی و عرب در معرفی جمشید و شرح اقدامات و ابتکارات وی از نوروز سخن گفته‌اند. در نوروزنامه، منسوب به حکیم عمر خیام نیشابوری (تألیف سال ۴۹۵) مطالب زیادی درباره جمشید و نوروز و مراسم نوروزی و غیر آن نقل شده، از آن جمله است: جمشید، دیوان را مطیع خویش گردانید و بفرمود تا گرمابه ساختند و دیا [ابریشم] یافتند و «دیا» را پیش از ما «دیوبافت» خواندند... و مُسک و عنبر و کافور و زعفران و عود و دیگر طیب [بوی خوش]‌ها به‌دست آورد، پس این روز [اول فروردین] که یاد کردیم جشن ساخت و نوروز نام نهاد و مردمان را فرمود که هر سال چون فروردین نو شود آن روز جشن کنند و آن روز نو داند.



از مراسم نوروزی عصر ساسانیان نیز شرحی آمده است: روز نوروز نخست کس از مردمان بیگانه، موبد موبدان پیش ملک آمدی و نیایش کردی او را به زبان پارسی به عبارت ایشان: شها به جشن فروردین به ماه فروین، آزادی گزین یزدان و دین کبان، سروش آورد ترا دانایی و بینایی به کاردانی، و دیرزی با خوی هژیر و شادباش بر تخت زرین و انوشه خور به جام جمشید و رسم نیاکان در همت بلند و نیکو کاری و ورزش داد و راستی نگاه دار، سرت سبز باد و جوانی چو خوید [سبزه]، اسپت کامگار و پیروز و تیغت روشن و کاری به دشمن...

از آن جا که که در نوروزنامه کشف طلا و نقره به جمشید منسوب شده است می توان احتمال داد که سکه زر و سیم در سفره هفت سین مبتنی بر همان پندار و به احترام جمشید استمرار پیدا کرده است: «زر اکسیر آفتاب است و سیم اکسیر ماه، و نخست کس که زر و سیم از کان بیرون آورد جمشید بود، و چون زر و سیم از کان بیرون آورد، فرمود تا زر را چون قرصه آفتاب گرد کردند و بر هر دوی روی صورت آفتاب [خورشید] مهر نهادند و گفتند این پادشاه مردمان است اندر این زمین، چنانکه آفتاب اندر آسمان؛ و سیم را چون قرصه ماه کردند و بر هر دو روی صورت ماه مهر نهادند و گفتند این کخدای مردمان است اندر زمین چنان که ماه اندر آسمان...»

نوروز در ادبیات و شعر فارسی چه جلوه‌هایی دارد؟

حافظ ضمن شرح مراسم نوروزی و تقدیم هدیه‌های مختلف به شهریاران، می‌افزاید: «شاعران، شعر و خطیبان خطبه هدیه می‌کردند». این سنت بعد از اسلام نیز استمرار یافته و سخن‌سرایان دربارهای سامانیان، غزنویان، آل بویه، آل زیار و سلجوقیان در قصاید و منظومه‌های زیادی ضمن مدح شاهان، اوصافی نغز و دلنشین از نوروز و جلوه‌ها و زیبایی‌های طبیعت در فروردین آورده‌اند که در دیوان‌ها و مجموعه‌های شعری آنان ثبت شده است، شاعران و نویسندگان همواره شاهان و وزراء را به برپایی هر چه باشکوه‌تر مراسم نوروزی ترغیب می‌نموده و با سروده‌های سرور انگیز و خطابه‌های شورانگیز خود، در حال و هوای فرح‌فزای بهاری، محفل نوروزی را غرق در شادی و نشاط می‌کردند.

دلیل استمرار نوروز در دوره اسلامی چیست؟

شهریاران و سرداران و وزرای ایرانی تبار بعد از اسلام، چون طاهریان، صفاریان، سامانیان، آل بویه و آل زیار و سردارانی چون ابومسلم خراسانی، بابک خرم‌دین و وزرای آل برمک، برخی در خدمت به خلیفگان و بعضی با توطئه خلیفگان از پای درآمده‌اند. عباسیان پس از آن که با پشتیبانی سرداری چون ابومسلم خراسانی بر سر کار آمدند، چون به هوش و استعداد‌های وی در سازمان دهی و جنگاوری آگاه بودند وی را از پای درآوردند، با توطئه به فرمانروایی طاهریان خاتمه دادند و با اختلاف‌افکنی بین صفاریان و سامانیان و همچنین شهریاران آل بویه و آل زیار و ایجاد مناقشه بین آنان، همزمان با سرداران ترکستانی آل البتکین ارتباط برقرار کرده و به فرمانروایی سلسله‌های مزبور خاتمه دادند.

خلفای عباسی با قتل و حذف برمکیان، سرداران ترکستانی را در دارالخلافه بغداد به خدمت گرفتند و به تدریج دیوان و دفتر و دیگر امور را از ایرانیان گرفتند. با جابه‌جا کردن نوروز از فروردین به ماه جوزا (خرداد) توسط متوکل و معتضد، در جهت حذف نوروز تلاش‌هایی کردند اما فرهنگ ایرانی و نوروز چنان در بغداد ریشه دوانده بود که موفق به براندازی این جشن ایرانی نشدند، در حالی که شاهان ترکستانی تبار غزنوی و سلجوقی تحت‌تأثیر فرهنگ ایرانی، نه تنها در برپایی جشن و مراسم نوروز اهتمام تمام ورزیدند، بلکه در اشاعه مراسم آن نیز با تشویق شاعران و نویسندگان در اشاعه زبان و ادبیات فارسی در سرتاسر خاورمیانه و آسیای مرکزی و شبه قاره هند بسیار مؤثر بودند.

باری، اما چرا موجودیت نوروز استمرار یافته است؟ سبب آن توجه و سعی بلیغ ایرانیان در حفظ و نگهداری آداب و سنن و رسوم نیاکان است. هرودوت، تأکید خشایار شاه بر همین عامل عمده را ثبت کرده است: «ما پارسیان راه و رسم و سنت‌های خاص داریم که از نیاکان به ارث برده‌ایم. من می‌خواهم همان سنت و رفتار را شعار خود سازم.»

پیروی از سنت‌های پسندیده پیشین ایرانیان چنان قطعی و مستمر بوده است که گروه فند، دانشمند آلمانی، با توجه به همین

پندار «ایرانیان خوش ندارند از راه و رسم اجداد خود دست بکشند» موفق به خواندن کتیبه‌های هخامنشی به زبان‌های پارسی باستان و ایلامی و آلمانی شده است.

سخن را با عرض تبریک نوروز پیش روی و نقل خاطره بسیار جالب و غرور انگیز و شنیدنی شادروان دکتر محمدامین ریاحی به پایان می‌برم که آشکارا بیانگر دلیل استمرار بخشی مراسم جشن نوروزی طی ادوار گذشته در بین ایرانیان است:

در یکی از روزهای نزدیک نوروز ۱۳۶۷ که هر کسی دور از تهران به جای امنی پناه برده بود، پیرمردی را در خیابان مقصودیگ تجریش دیدم که از مغازه‌های سراغ سمنو برای سفره هفت‌سین می‌گرفت. درست در همان لحظه موشکی در همان حوالی افتاد. در و دیوار به لرزه درآمد و ستون دود و گرد و غبار به آسمان سر کشید، همه جا تیره و تاریک شد.

مغازه‌دار گفت: پدر جان مگر موشک را نمی‌بینی؟ سمنوی هفت‌سین می‌خواهی چه کار کنی؟ پیرمرد گفت: «خوب می‌بینم. دشمن جسم ایران را در هم می‌کوبد اما نمی‌تواند به روح ایران آسیبی برساند. نوروز از جلوه‌های روح ایران است. با برگزاری جشن ملی خود به دوست و دشمن نشان می‌دهیم که روح ایران تندرست و پایدار و جاویدان است. زخم‌های جسم را آسان می‌توان مرهم نهاد.»

نوروز در طی تاریخ همیشه مورد هجوم و کینه بوده است. در تلمود که مجموعه روایات کهن یهود و تفسیر آن‌هاست، قوم خود را از برگزاری عیدهای مشرکان و بیگانگان از «نوروز» و «مهرگان» و «تیرگان» منع می‌کند.

خلافت عربی عباسی هم با آداب و رسوم ملی ایران بر سر ستیز و عناد بود، اما از این عناد طرفی نیست، ساکنان بغداد با وجود منع محتسبان، جشن‌های ایرانی را با جلال و شکوه برپا می‌کردند و دستگاه خلافت از عهده جلوگیری از آن‌ها بر نمی‌آمد...

گفتگو: زینب واعظ محرابی

